

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ماهیت پول

مؤلف:

جفری اینگام

مترجمان:

اصلان قودجانی

حسین درودیان

علی نصیری اقدم

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: ماهیت پول

مؤلف: جفری اینگام

مترجمان: اصلان قودجانی، حسین درودیان، دکتر علی نصیری اقدم

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۷-۴

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۰۳۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: E-mail: pub@isu.ac.ir • www.press.isu.ac.ir

سرشناسه: اینگام، جفری ک، ۱۹۴۲م-

عنوان و نام پدیدآور: ماهیت پول / مؤلف جفری اینگام؛ ترجمه اصلان قودجانی، حسین درودیان،

علی نصیری اقدم.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۷-۴

موضوع: پول

موضوع: پول - فلسفه

موضوع: پول - جنبه‌های مذهبی

موضوع: سرمایه‌داری

شناسه افزوده: قودجانی، اصلان، ۱۳۵۳- مترجم

شناسه افزوده: درودیان، حسین، ۱۳۶۳- مترجم

شناسه افزوده: نصیری اقدم، علی، ۱۳۵۵- مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)

رده‌بندی کنگره: HG ۲۲۰

رده‌بندی دیویی: ۳۳۲/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۳۱۱۳

تمام حقوق محفوظ است؛ هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فوتوکی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب اجمالی

۱۱.....	سخن ناشر
۱۳.....	پیشگفتار مترجمان
۲۵.....	پیشگفتار

بخش اول: مفاهیم و نظریه‌ها

۴۷.....	فصل اول: پول به مثابه یک کالا و نماد «خنثای» کالاها
۷۷.....	فصل دوم: ارزش انتزاعی، اعتبار و حکومت
۱۰۵.....	فصل سوم: پول در نظریه جامعه‌شناسی
۱۱۷.....	فصل چهارم: مبانی یک نظریه درباره پول

بخش دوم: تاریخچه و تجزیه و تحلیل

۱۳۹.....	فصل پنجم: خاستگاه‌های تاریخی پول و قالب‌های پیش‌سرمایه‌داری آن
۱۶۳.....	فصل ششم: ظهور پول اعتباری سرمایه‌داری
۱۹۹.....	فصل هفتم: ایجاد پول اعتباری سرمایه‌داری
۲۲۳.....	فصل هشتم: نابسامانی پولی
۲۵۳.....	فصل نهم: محیط‌های پولی جدید
۲۸۱.....	ملاحظات پایانی
۲۹۱.....	فهرست منابع و مآخذ

فهرست مطالب تفصیلی

۱۱.....	سخن ناشر
۱۳.....	پیشگفتار مترجمان
۲۵.....	پیشگفتار

بخش اول: مفاهیم و نظریه‌ها

۲۹.....	مقدمه
۲۹.....	معمایا و تناقض نماهای پول
۳۹.....	شرح کلی محتوای کتاب
۴۷.....	فصل اول: پول به مثابه یک کالا و نماد «خنثای» کالاها
۴۹.....	مبانی فرانتزوی تحلیل پولی متعارف
۵۳.....	نظریه مقداری و ارزش پول
۵۸.....	نقد تحلیلی بر نظریه کالایی
۵۸.....	مشخصه پول
۵۹.....	پول حسابی
۶۱.....	سرمایه‌داری و اعتبار: نظام اقتصادی «حقیقی» و نرخ بهره «طبیعی»
۶۵.....	تداوم رویکرد متعارف
۶۵.....	پول‌گرایی
۶۸.....	«انتظارات عقلانی» و تورم
۶۹.....	اقتصاد پولی جدید
۷۰.....	نظریه حوزه بهینه پول قانونی
۷۱.....	نتیجه‌گیری

۷۷	فصل دوم: ارزش انتزاعی، اعتبار و حکومت
۷۹	نظریه اعتباری اولیه
۸۱	بحث‌های قرن نوزدهم: طلا و اعتبار
۸۱	بانکداری و پول در انگلستان
۸۴	اسکناس‌های پشت سبز و طلا در آمریکای پس از جنگ داخلی
۸۸	مکاتب تاریخی آلمانی و نظریه حکومتی پول
۹۲	اثرگذاری بر کینز
۹۶	نظریه پساکینزی: پول درونزا و چرخه پولی
۹۶	پول درونزا
۹۸	نظریه چرخه پولی
۱۰۰	فرمان‌گرایی امروزی
۱۰۱	نتیجه‌گیری
۱۰۵	فصل سوم: پول در نظریه جامعه‌شناسی
۱۰۶	پول به مثابه یک واسطه نمادین
۱۰۷	مارکس و تحلیل مارکسی
۱۱۰	فلسفه پول زیمل
۱۱۴	ویر و پول
۱۱۷	فصل چهارم: مبانی یک نظریه درباره پول
۱۱۷	پول چیست؟
۱۲۳	پول چگونه ایجاد می‌شود؟
۱۳۱	ارزش پول

بخش دوم: تاریخچه و تجزیه و تحلیل

۱۳۹	فصل پنجم: خاستگاه‌های تاریخی پول و قالب‌های پیش‌اسرمایه‌داری آن
۱۴۰	خاستگاه‌های پول: بدهی و معیار ارزش
۱۴۰	بدهی و قربانی کردن
۱۴۲	معیارهای ارزش و پول حسابی
۱۴۳	«خون‌بها» و پول حسابی

۱۴۵	قواعد ارزش و هم‌ارزی‌ها
۱۴۸	بانکداری باستان
۱۵۱	شکل‌گیری اولیه ضرب سکه
۱۵۵	نظام پولی روم
۱۵۹	«بانکداری» و «سرمایه‌داری» در روم
۱۶۱	نتیجه‌گیری
۱۶۳	فصل ششم: ظهور پول اعتباری سرمایه‌داری
۱۶۵	قطع پیوند پول حسابی و ابزار پرداخت
۱۷۰	قطع پیوند پول حسابی و تکامل پول اعتباری سرمایه‌داری
۱۷۲	بانک‌های سپرده‌ای «ابتدایی»
۱۷۳	بانک‌های عمومی اولیه
۱۷۵	برات معامله
۱۷۸	غیر شخصی کردن بدهی
۱۸۱	تبدیل اعتبار به پول رایج
۱۸۴	محیط پولی حکومتی در انگلستان
۱۸۹	نظام پولی دوگانه: پیوند خوردن اعتبار و سکه‌ها
۱۹۵	نتیجه‌گیری
۱۹۹	فصل هفتم: ایجاد پول اعتباری سرمایه‌داری
۲۰۲	ساختار اجتماعی پول اعتباری سرمایه‌داری
۲۰۲	تقاضای درونزای بخش خصوصی برای پول
۲۰۵	نظام بانکی و عرضه پول به واسطه «ضریب فزاینده»
۲۰۸	تقاضای پول در بخش عمومی: بدهی حکومت و خلق (عرضه) «پول پُر قدرت»
۲۱۰	شایستگی اعتباری پول پُر قدرت حکومت: بودجه‌ها، مالیات‌ها و اوراق قرضه
۲۱۲	خیال اثرگذار درباره استاندارد غیرمتغیر
۲۱۵	نظریه اقتصادی، واقعیت‌سازی و ایدئولوژی
۲۲۰	نتیجه‌گیری

۲۲۳	فصل هشتم: نابسامانی پولی
۲۲۴	صعود و نزول تورم در اواخر قرن بیستم
۲۳۱	افزایش ارزش بدهی‌ها با تورم منفی و تجربه ژاپن
۲۳۷	تورم منفی (رکود) در ژاپن
۲۴۱	از هم پاشیدگی پولی آرژانتین
۲۴۳	رخدادها و بحران اخیر
۲۴۶	سقوط پول آرژانتین
۲۴۸	شرحی مختصر از تاریخچه اقتصادی و مالی
۲۵۳	فصل نهم: محیط‌های پولی جدید
۲۵۵	فناوری و محیط‌های پولی جدید
۲۵۶	جهانی شدن الکترونیک: پول «خصوصی» و «پایان پول»
۲۶۳	سامانه‌های مبادله جامعه محلی و محیط‌های پولی محلی
۲۷۰	پول واحد اروپایی
۲۷۱	«طلاق» ماستریخت
۲۷۴	از دست رفتن حاکمیت پولی
۲۸۱	ملاحظات پایانی
۲۹۱	فهرست منابع و مآخذ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط

جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار مترجمان

«جفری اینگام» جامعه‌شناس اقتصادی اهل بریتانیا و اکنون استاد بازنشسته دانشگاه کمبریج است. در بین کارهای او دو کتاب «ماهیت پول» (۲۰۰۴) و «سرمایه‌داری» (۲۰۰۸) در زمره آثار شناخته‌شده پیرامون ساخت اقتصاد سرمایه‌داری-با محوریت نظام پولی- است. دور نیست اگر کتابی که پیش رو دارید را «کتاب مقدس رویکردهای دگراندیش (هترودوکس)» در حوزه تحلیل پولی بخوانیم؛ اثری که با به چالش کشیدن مهم‌ترین اصول موضوعه تحلیل پولی در جریان متعارف (ارتدکس) در پی برساختن یک بنای تحلیلی رقیب است. محور این کتاب، روایت‌هایی تند و تیز علیه رویکرد جریان اصلی و باورهای جاافتاده در اقتصاد پیرامون پول است که ممکن است برای مخاطبِ مأنوس با این باورها، یعنی اغلب دانش‌آموختگان دانشگاهی اقتصاد و بانکداری، مایه تعجب و به منزله تردید در بدیهیات باشد. اینگام با علم به این مطلب، تمام این کتاب را به تبیین استدلال‌های خود و پشتیبانی از گزاره‌های بدیلی اختصاص داده که مخاطب را با یک ساختمان تحلیلی جدید مواجه می‌سازد و حقاً که در این راه چیزی از شاهد و استدلال کم نگذاشته است.

در بحبوحه ناکامی سنت تحلیلی - تجویزی جریان متعارف در حوزه پولی در جهان و همچنین در میهن ما، گرایش و تمایل به تبیین‌های پولی رقیب و منتقد، به طوری روزافزون در حال افزایش است. این کتاب، به نحو شاخصی خود را در جایگاه بهترین مرجع برای یک رویکرد انتقادی عالمانه دانشگاهی در برابر نظریه اقتصادی متعارف در حوزه پول معرفی کرده است. نویسنده تقریباً تمامی جریان‌های فکری بدیل جریان اصلی را واکاوی کرده و بر نسخه‌ای تنقیح‌شده از تمامی آنها اتکا کرده است. کمتر مکتوبی را در جریان دگراندیش پولی می‌توان یافت که ارجاعی به این کتاب نداده باشد.

گرچه نویسنده در اصل، جامعه‌شناس است، اما چنانکه در مقدمه کتاب اذعان می‌کند، پیوسته

بین سه حوزه اصلی علوم اجتماعی جدید، یعنی اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست در حال رفت‌وآمد فکری بوده است. اشراف او به نظریه‌های اقتصادی عمیق و دقیق است؛ چیزی که از شرح و قرائت او از این نظریه‌ها هویدا است. شاید شرح او به لحاظ جامعیت، تلخیص، صراحت و عاری بودن از ابهام‌آفرینی‌های ریاضیاتی، بر اغلب نوشته‌های اقتصاددانان جریان اصلی مزیت نیز داشته باشد. عقبه بین‌رشته‌ای او کمک کرده تا بهتر از هر نویسنده دیگری قادر به ارائه یک ارزیابی جامع‌الاطراف از مقوله اجتماعی - بین‌رشته‌ای «پول» باشد. این ویژگی مزیتی برای او به وجود آورده که عبارت است از فرا رفتن از اقتصاد و نگریستن به مقوله پول از منظری جامعه‌شناختی، تاریخی و در عین حال اقتصادی.

بیان چکیده‌ای بی‌پرده از ایده‌های اصلی کتاب، بهترین دیباچه برای برقراری ارتباط با مطالبی است که خواننده با آنها روبه‌رو خواهد شد. چهارچوب اصلی و بهترین روایت از محتوای کتاب، تقابل آن با ایده‌های پولی در نظریه متعارف اقتصادی است؛ ایده‌هایی آشنا نظیر تفسیر پول به عنوان «پدیده‌ای اقتصادی» و «محصول خودجوش بازار»، تمرکز بر کارکرد «واسطه مبادله» به عنوان کارکرد اصلی پول و «خنثایی پول» یا بی‌اهمیت بودن آن برای تحولات بخش حقیقی (تولید و اشتغال). هم نویسنده یکسره متمرکز است بر به‌چالش کشیدن این اصول بنیادین با ذکر استدلال‌ات نظری و همین‌طور ارجاعات عملی - تاریخی. این مورد اخیر (ارجاعات استقرایی تاریخی) همان چیزی است که او را به تاریخ پول و سابقه نظریه‌های پولی بسیار علاقه‌مند کرده است.

چهار مضمون موجود در سنت‌های دگراندیش پولی به‌تمامی در این کتاب یافت می‌شود: «پول در اصل یک معیار انتزاعی برای ارزش است»؛ «پول دربرگیرنده یک مطالبه یا اعتبار است»؛ «حکومت یا مرجع قدرت است که مبنای اصلی شکل‌گیری و استواری پول محسوب می‌شود» و «پول در فرایند اقتصادی، خنثی نیست».

ایده مرکزی نویسنده، اصرار بر «ماهیت اجتماعی پول» است. پول از نگاه او فی‌نفسه یک رابطه اجتماعی است که بر پایه ارتباط بدهکار - بستانکاری تأسیس می‌شود. پول یک بدهی معتبر در دستان بستانکاران علیه ناشر آن است. بدهی، ریشه در استحکامات اجتماعی - نهادی دارد که هستی آن مستقل از تولید و مبادله کالاهاست. مالک پول در ساده‌ترین معنا، طلبکار کالا است. پول در عین اینکه طلبی از ناشر آن (دولت یا بانک) است، در معنای عام‌تر طلبی از تولیدات جامعه است. چیزی که به این پدیده ارزش می‌دهد، نه سازوکاری اقتصادی، که زیرساختی اجتماعی است که بیش از همه به «قدرت» ناشر و توان او در تعریف رابطه بدهکار - بستانکار و همچنین توانایی وی در تعریف نوعی

از بدهی بازمی‌گردد که توسط سند بدهی (پول) منتشرشده توسط وی می‌تواند تسویه شود. فقط چیزی را می‌توان به عنوان پول منتشر کرد که بتواند هر نوع بدهی وضع‌شده توسط ناشر را تسویه کند. توان ناشر در وضع یک تعهد بدهی برای دیگران است که به او قدرت نشر پول می‌دهد. در این تفسیر، روایی پول دولت یا پول بانکی ناشی از این حقیقت است که دولت و بانک، آن سند بدهی صادرشده توسط خود را در پرداخت به خویش برای تسویه بدهی (بدهی بانکی یا مالیات) می‌پذیرند. به زعم اینگام نقش و اهمیت «مالیات‌ستانی» و «قوه قهریه» در پذیرفتگی پول به خوبی شناخته نشده است. با این توضیح، پول پدیده‌ای اجتماعی (و نه اقتصادی) است و نمی‌توان آن را در قالب نوعی مفهوم اقتصاد «حقیقی» جای داد که ارزش پدیده‌ها را در نرخ‌های مبادله (روابط شیء با شیء) و منبعث از کمپایی و ترجیحات اشخاص حداکثرکننده مطلوبیت (روابط عامل با شیء) تفسیر می‌کند. ایجاد و بقای پول به واسطه «رابطه اجتماعی» بدهی (روابط عامل - عامل) کاملاً با روش‌شناسی اقتصاد نئوکلاسیک متعارف، ناسازگار است.

در داستانی که اینگام برای مخاطب خود روایت می‌کند تمایزی ظریف بین «ارزش» پول (قدرت خرید) و «ارزشمندی» آن وجود دارد. تحلیل پولی متعارف این دو را یکسان می‌پندارد. در واقعیت، اما تحلیل ارزش (قدرت خرید) پول - به عنوان موضوعی اقتصادی - مؤخر است بر استقرار نهاد پول به اتکای زیرساخت‌های اجتماعی. مفهوم ارزش پول در نسبت با کالاها غیر از آن است که پرسیم اساساً چرا چنین چیز ذاتاً بی‌ارزشی «ارزش‌مندی» (پذیرفتگی) یافته است. این دومی مخلوق اجتماع با محوریت مرجع قدرت است؛ نه زاده بازار. این البته بدان معنا نیست که اینگام بر این باور است که تنها دولت قادر به ایجاد پول است. او در بخشی مهم از این کتاب (فصول ۶ و ۷)، نحوه ظهور پول‌های خصوصی و شیوه کارکرد کنونی آن را با وسواسی منحصر به فرد شرح می‌دهد؛ لیکن تحلیل او حتماً بدین معناست که رضایت و همراهی مرجع قدرت، در توان‌یابی عاملان خصوصی به خلق پول نقشی کلیدی ایفا می‌کند. پیوند و اتصال نظام‌مند بانک‌ها، به عنوان مراجع خصوصی ایجاد پول، با حاکمیت نمادی از همین واقعیت است.

ظرافت دیگر تحلیل اینگام، توجه دادن مخاطب به تمایز بین «مفهوم پول» از «قالب پول» است. او جانب‌دار و شارح سنتی است که مفهوم دقیق پول را در ورای قالب‌های مادی می‌جوید. مفهوم اصلی پول یک معنای انتزاعی است که به واسطه روابط اجتماعی خاصی، بر یک فلز (در مورد سکه) یا کاغذ (در مورد اسکناس) یا بر بیت کامپیوتری (در مورد پول الکترونیکی) بار شده است. با این حال پول همچنان می‌تواند بدون این قالب‌ها و صرفاً در جایگاه یک مفهوم انتزاعی به عنوان «شمارشگر

ارزش» («پول حسابی» یا پول به عنوان واحد محاسبه) وجود داشته و کارکردهای خود را ایفا کند. او به تبعیت از کینز مهم‌ترین نقش پول را همین «پول حسابی» می‌داند، یعنی یک ظرفیت اجتماعی برای سنجیدن ارزش کالاها و بدهی‌ها. او برخلاف تفسیر پول به عنوان واسطه مبادله خودجوش بازار، پول را مخلوق تلاش انسان‌ها یا حکومت‌ها در جوامع اولیه برای محاسبه ارزش تعهدات اجتماعی (از قبیل غرامت یا مالیات) می‌داند. شواهد تاریخی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد پول، بدون اینکه قالب عینی و مادی داشته باشد، کارکرد خود را از طریق امکان ثبت بدهی - بستنکاری بین شبکه معامله‌گران ایفا می‌کرده است. اینگام مواردی متعدد از این واقعه را به عنوان شاهد مدعای خود آورده است. نقش پول به عنوان معیاری باثبات از محاسبه، نمی‌تواند محصول و مخلوق بازار باشد، بلکه این بازار است که پس از برساخته شدن چنین زیرساختی می‌تواند شکل گرفته و گسترش یابد. فقط نوعی اقتدار است که می‌تواند بر هرج و مرج و تهاوتر غلبه و یک پول حسابی یکسان از نوع معیار ارزش را تثبیت کند و آن را به عنوان یک بنیان شکل گرفته خارج از بازار، در خدمت مبادله‌گران قرار دهد. وعده‌های پرداخت پولی، اموری انتزاعی هستند که علت عمل کردن آنها در بازار چیزی نیست جز اینکه تردید درباره ارزش آنها «از فرایند بازار آزاد زدوده شده است».

پول محصول فرایند «غیر شخصی کردن یک بدهی» است که تحقق آن بدون قانون و نهاد قدرت غیر ممکن است. شواهد متعدد نظری و تاریخی، که در جای‌جای این کتاب آمده، به دنبال آن است که نشان دهد پول محصول جامعه و دولت است. پیدایش پول از دل تهاوتر و بازار، یک داستان قیاسی، خیال‌پردازی و فاقد استناد تاریخی است.

مسکوکات رایج در اقتصادهای پیشامدرن نیز چیزی غیر از یک سند بدهی مقبول با عاملیت مرجع قدرت نبوده‌اند. این مسکوکات، ارزش پولی (قدرت خریدی) بسیار کمتر از موجودی فلز گران‌بهای خود داشته‌اند، اما پول بودن آنها برای استفاده‌کنندگان، مفهومی کاملاً متمایز از طلا یا نقره بودن آنها داشت. تفسیر شالوده‌شکن اینگام را ببینید: «پول‌های فلزی قدیم، تفاوتی ماهوی با پول کاغذی و الکترونیکی امروزی ندارد». هر دو، نوعی سند بدهی بوده‌اند که ارزش مندی (پذیرفتگی) آنها به اتکای روابط اجتماعی برقرار شده و ربطی به خمیرمایه پول (محمل مادی پول) نداشته است. فلز یا کاغذ یا بیت کامپیوتر، سه محمل برای مفهوم ذهنی - اعتباری پول هستند، در حالی که مفهوم دقیق پول، هیچ ربطی به این خمیرمایه‌ها ندارد. این تصور که پول قدیم، پولی کالایی (غیر اعتباری) بوده، در این کتاب رد شده است.

اینگام از نگرش جریان اصلی اقتصاد در محدود کردن نقش پول به «روان‌ساز» معاملات و عملی

در جهت کاهش اصطکاک در مبادلات بازاری، به‌سختی برآشفته است. به نظر او اقتصاد متعارف با این تفسیر از پول، این پدیده مهم را خوار کرده است. نه اینکه پول چنین کارکردی ندارد، مسئله در تقلیل جایگاه پول است. اولاً نقش روان‌سازی پول مستلزم تثبیت و استقرار پیشینی پول به عنوان یک نهاد اجتماعی است و ثانیاً کارکرد پول بسی فراتر از این است. اگر پول یک واسطه کاهنده هزینه مبادله بازار باشد، این چیزی بیش از یک تهاتر کارآمد نیست. پول یک نیروی حاشیه‌ای و حول عوامل بنیادین عینی (حقیقی) نیست؛ خود یک نیروی مستقل بنیادین است. اینگام به پیروی از سنت اقتصاددانان دگراندیش، پول را به مثابه «یک نیروی غیر خنثای تولید» تفسیر می‌کند. در نقطه مقابل تفسیر جریان اصلی، اینگام تلویحاً به تمجید از ظرفیت خلق پول پرداخته و آن را مایه ظهور اقتصادهای امروزمین می‌داند. مفاهیمی نظیر «خنثایی پول» یا «تعادل بلندمدت به عنوان وضع عادی امور»، از نگاه او نمایانگر واقعیت نقش پول در اقتصاد نیست. استقرار پول و بسط آن، برای نتایج «حقیقی» اقتصادی اهمیت وافر دارند. تلاش فصل هشتم برای برشمردن شواهدی از اضمحلال پولی در برخی کشورها، معطوف به این هدف است که نشان دهد چگونه نظام پولی در عملکرد اقتصاد نقشی «حقیقی» دارد. ژاپن از نگاه نویسنده مصداق اقتصادی است که در اثر سوءکارکرد نظام پولی با افت بخش حقیقی روبه‌رو شده است؛ همین‌طور است آرژانتین که شواهدی از صحت تبیین نظری او در خصوص پیوند استواری پول با استواری حکومت است؛ چیزی که از ناتوانی دولت این کشور در برقراری موازنه قدرت پایدار با مقبول‌ساختن بدهی خود متکی به توان مالیات‌ستانی ناشی می‌شود. ضعف نظام پولی به سبب ضعف حکومت، اقتصاد را محکوم به ضعف و زوال کرده، موجب عدم شکوفایی موهبت‌های «حقیقی» آن خواهد شد. او پیشتر در فصل پنجم نیز در بررسی‌های تاریخی خود شواهدی از اضمحلال ممالک در اثر ضعف و فروپاشی پولی آنها ارائه می‌کند؛ وضعیتی که اقتصاد بدون آنکه با پس‌رفت عوامل نهاده‌ای - حقیقی روبه‌رو شده باشد، از ناحیه نظام پولی «به‌طور حقیقی» افول می‌کند.

عالی‌ترین مدعای کتاب که صرف‌نظر از صحت، چهره یک اثر کلاسیک به آن داده، جایی است که به نسبت بین نهاد پول مدرن و اقتصاد متجدد پرداخته، خصیصه منحصر به‌فرد سرمایه‌داری «خلق منعطف پول اعتباری» خوانده شده است. اینگام هم‌سو با شومپتر، وجه ممیز سرمایه‌داری را «ظرفیت ایجاد پول مستقل از پس‌انداز قبلی و انباشت حقیقی» می‌پندارد. «پول اعتباری سرمایه‌داری» به عنوان کلیدواژه او در شرح نظام پولی امروز، ترتیباتی از ارتباط نظام‌مند دولت و بانک‌های خصوصی است که به عاملان خصوصی اجازه می‌دهد بصورت رویه‌ای، بدهی خود را

«تبدیل به پول» کنند؛ ماشینی که در آن پول مخلوق بانک‌ها عملاً و تحت یک بده‌بستان نهادی، به جایگاه «پول عمومی» صعود می‌کند. برای اینگام این سازه، در حکم «نهاد محوری سرمایه‌داری امروزی» است. سرمایه‌داری از زمانی خود را از ادوار پیشین حیات اقتصادی جدا کرد که این شمایل از نظام پولی قوام یافت. ادعای وجود بانکداری در ادوار پیشین حیات بشر، یک سوءتفاهم ناشی از عدم وقوف به ماهیت نهاد پول امروز است. تبدیل نظام‌مند بدهی عاملان خصوصی (بانک‌ها) به پول عمومی و قدرت خلق این بدهی از سوی آنها، هیچ مشابهی در دنیای پیشاسرمایه‌داری نداشته است. روایت مذکور از ظهور سرمایه‌داری در برابر روایت‌های دیگر قرار دارد؛ از جمله قرائت متعارف نئوکلاسیک با تأکید بر مبادله، شرح مارکسی که بر تغییر در سازمان‌دهی و روابط تولید تمرکز داشته و تفسیری که تحولات فکری یا فناوری را بنیان دنیای جدید می‌داند. البته این ایده پیش از اینگام مسبوق به سابقه بوده، کما اینکه او امانتدارانه به نقل قول از آنها می‌پردازد، ولی خود پردازشی جدید و یک‌دست از این دیدگاه ارائه می‌کند. به زعم او وجه پولی سرمایه‌داری مهم‌ترین تمایز آن با ادوار پیشین حیات اقتصادی بشر است. پیداست که جایگاه والای نهاد پول مدرن نزد او تا چه میزان در تقابل با نقش و تأثیر حاشیه‌ای و غیر محوری پول در نظریه اقتصاد متعارف قرار دارد. این حدس دور از واقعیت نیست که نافذترین انگیزه او از دست‌زدن به نگارش این اثر، تبیین همین مطلب بوده است. اینگام علاقه‌مند است توجه مخاطب را از نگرستن به پول به عنوان یک ابزار، فراتر برده و آثار توسعه‌ای و توزیعی پول را خاطر نشان کند. این هم وجهی دیگر از عدم‌خنثایی پول است. عدم‌خنثایی پول در نظر اینگام واجد هر دو جنبه مثبت و منفی است. خلق پول زمینه‌ساز تجهیز اقتصاد به یک امکان نهادی جدید برای بسط و توسعه حقیقی است؛ اما این تنها وجه داستان نبوده و ظرفیت خلق پول، کاملاً مستعد کژکارکردی است.

تمرکز او در سوءکارکرد نهاد پول امروز، متوجه بی‌ثباتی و نابرابری حاصل از آن است که برون‌داد منازعه قدرت است. اینگام، بنا به عقبه جامعه‌شناختی‌اش، مکرراً به تحلیل طبقاتی علاقه نشان می‌دهد. تحولات پولی از جمله خلق پول نتیجه جنگ قدرت بین گروه‌ها و منافع متعارض اصلی در جامعه است. روابط بین دستمزدها، میزان اشتغال، نرخ‌های بهره و نرخ مبادله، پیامد این منازعات قدرت بوده، این عامل خود به عنوان یک عامل «حقیقی» تعیین‌کننده وارد صحنه اقتصاد می‌شود. او نه فقط اقتصاد کلان متعارف بلکه رویکردهای دگراندیش را هم به سبب غفلت از این واقعیت، مورد سرزنش قرار داده است. خروجی‌های اصلی اقتصاد را نه صرفاً محصول اقتضانات برخاسته از طبیعت و عوامل حقیقی، بلکه منبعث از روابط قدرت نیز باید دانست. اینجا همان

جایی است که تحلیل اجتماعی اقتصاد، جای نگره‌های طبیعت‌انگارانه و غیر جامعه‌شناختی جریان اصلی را می‌گیرد. پتانسیل سوءکارکرد نظام پولی در ایجاد نابرابری، از این حقیقت ناشی می‌شود که پول به برخی روابط جمعی بستگی دارد که ذاتاً از جنس نابرابری و معطوف به قدرت هستند. نظام پولی - بانکی امروز قواعدی در خود دارد که موجب بروز و بازتولید نابرابری‌ها می‌گردد. از این منظر پول را نباید فقط به مثابه یک فن دید، بلکه آن سلاحی در متن جنگ اقتصادی و مستعد تحکیم نابرابری است.

جنبه دیگر سوءکارکرد، تکرار افت و خیزهای اقتصادی و بی‌ثباتی‌های ادواری است. به پیروی از مینسکی، او سرمایه‌داری را نظامی می‌بیند که قادر نیست «یک جا بند شود»؛ این نظام ذاتاً از رسیدن به یک موقعیت تعادلی دائمی و حفظ آن ناتوان است. انگاره متعارف «نظم طبیعی» و «حالت طبیعی» در این میانه بسی بی‌مسمی است. الگوی تکرارشونده سرمایه‌داری، رکود و افول اقتصادی در اثر فروپاشی یک «حباب» سفته‌بازانه تورمی در دوره قبل است؛ حباب‌هایی که نوعاً از محل پول بانکی تأمین مالی می‌شود. اعتبارات بانکی، خلق پول جدید است نه بازتخصیص پول موجود. چرخه‌های معطوف به انتظارات در بازار مالی، این ظرفیت را به سوی دمیدن در حباب‌های قیمت‌داری می‌کشاند. با فروپاشی قیمت‌داری‌های هدف سفته‌بازی (اوراق بهادار، املاک و غیره)، بازپرداخت اصل و سود بدهی‌ها بدون فروش آن‌داری‌ها دشوار شده، گسترش تمایل به فروش‌داری‌ها برای بازپرداخت بدهی، دوباره قیمت‌ها را پایین‌تر می‌آورد. قیمت‌های نزولی ممکن است به سایر بخش‌ها نیز سرایت کرده، فعالیت اقتصادی را کندتر سازد زیرا مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابند. به این ترتیب است که چرخه‌هایی دائمی از رونق (حباب) و رکود در اقتصاد سرمایه‌داری رخ می‌دهد. خصیصه سرمایه‌داری امروزی و از مختصات واقعی آن چنین رفتار ادواری است که معرفی آن به عنوان «انحرافات موقتی از مسیر رشد طبیعی بلندمدت» چیزی جز ساخته و پرداخته ذهن اقتصاددانان متعارف نیست. اینگام با این تحلیل، چند سال پیش از افول بزرگ دهه اخیر در اقتصاد غرب و در دل آرامش اقتصادی که اقتصاددانان جریان اصلی را به توفیق خود در تحقق هدف ثبات، متفاخر ساخته بود، صراحتاً و به نحوی پیش‌گویانه، وعده تکرار بحران‌های ناشی از ترکیدن حباب‌داری را می‌دهد.

از نکات بدیع کتاب که سابقه‌ای در سنت‌های فکری قبلی ندارد، تبیین نویسنده از مقوم‌های شکل‌گیری و تداوم پابرجایی نظم پولی در دنیای امروز است. به زعم او این مهم نیازمند یک مصالحه بین طبقات اصلی ذی‌نفع در نظام پولی است. تبدیل بدهی‌های خصوصی به پول، با پیوندهای

پیچیده بین نظام بانکداری - مالی و حکومت و همین‌طور بین حکومت، بستانکاران حکومت (دارندگان اوراق قرضه) و بدهکاران حکومت (مالیات‌دهندگان) برقرار می‌گردد. تداوم این بنیاد، مستلزم رضایت نسبی این بازیگران از وضع موجود است، در غیر این صورت اقتصاد آستان نظم جدیدی خواهد بود. پول موفق در سرمایه‌داری امروزی، منوط است به نهادینه‌شدن دو رابطه متقابل بین حکومت و شهروندان: رابطه «مالیات‌ستانی» و «بدهی ملی». اولی معطوف به بدهکاران حکومت و دومی متوجه بستانکاران وی است. نظام پولی استوار، باید روابطی رضایت‌بخش بین طرف‌های درگیر منازعه برقرار کند که دولت (حکومت) در عین اینکه خود یک عامل ذی‌نفع و یک طرف نزاع است، نقش میانجی بین ذی‌نفعان دیگر را نیز به عهده دارد. این نگرش، نویسنده را در مقام غر زدن به تمایلات کشورهای در حال توسعه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌دهد، با این ادعا که سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند پایه تأمین مالی بادوام اقتصاد باشد. بنیان اقتصاد امروز، ساماندهی بدهی داخلی است. یکی از اهداف نویسنده در تبیین تجربه آرژانتین در فصل هشتم، ذکر شاهد مثالی برای همین مطلب است.

این‌گام به اتکای چهارچوب تحلیل طبقاتی، سیر تاریخی منازعه قدرت بین طبقات اصلی سرمایه‌داری را شرح می‌دهد. روایت او نشان می‌دهد که جدال جاری معطوف به دوگانه «پول باثبات - پول منعطف» یا همان تقابل «ثبات» و «توسعه»، چگونه از ابتدای سرمایه‌داری وجود داشته و تداوم یافته است. چیزی که امروز در مجادله بین دو طبقه «سرمایه‌دار مالی» و «سرمایه‌دار مولد (صنعتی)» پیدا است؛ گروه اول از انگاره‌های «پول باثبات» و نرخ بهره بالا حمایت کرده و دومی گرایش به پول منعطف و ارزان دارد. این‌گام باز هم در تحلیلی ماندگار و مختص متفکران کلاسیک، مجادله اصلی در سرمایه‌داری کنونی را نه آن‌چنانکه مارکس می‌پنداشت، نزاع سرمایه‌دار - نیروی کار بلکه مابین سرمایه‌داران مالی (طبقه بستانکار) از یک‌سو با مصرف‌کنندگان و سرمایه‌داران درگیر در کسب‌وکار (طبقه بدهکار) از سوی دیگر می‌بیند. از لحن کتاب پیداست که نویسنده بیشتر به طبقه دوم یعنی سرمایه‌داران صنعتی با گرایش به انعطاف پول تمایل دارد. با این حال او از خطرات آن نیز آگاه است. این باعث شده لحن کتاب در عین بی‌میلی نویسنده به منافع طبقه بستانکار (بهره‌گیر)، روی مرز ظریفی از جانب‌داری بین این دو طبقه حرکت کند؛ به نحوی که در عین جانبداری از طبقه مولد بدهکار، حفظ منافع بستانکاران را در بقای مصالحه قدرت ضروری می‌داند. این‌گام هشدار می‌دهد که منکوب‌کردن یکی از این دو، سرآغاز گرایش به بی‌ثباتی و برهم‌خوردن مصالحه ضروری در بقای نظام پولی است. این قضاوت او را در تمایزی شاخص با کینز قرار می‌دهد که با موضعی آشتی‌ناپذیر،

بر ضرورت مغلوب‌ساختن تدریجی طبقه بستانکار (بهره‌بگیر) به سود طبقه مولدِ بدهکار تأکید داشت. اینگام البته نارضایتی خود از تحولات چند دهه اخیر در نظام پولی را مخفی نمی‌کند؛ تحولاتی که در جهت احیای قدرت طبقه سرمایه‌داران مالی بستانکار عمل کرده است. غلبه کنونی طبقه سرمایه‌دار مالی البته نتیجه انتقام بهره‌بگیرها از گرایش‌های کینزی پیش از دهه ۱۹۷۰ است؛ انتقامی که موازنه قدرت پس از تورم ۱۹۷۰ را به سوی طبقه بهره‌بگیر برگرداند. این آرایش طبقاتی، ریشه اصلی نارضایتی‌های اقتصادی در دنیای کنونی سرمایه‌داری است.

اشاره اینگام به مجادله درونزایی - برونزایی پول به عنوان یکی از محورهای اصلی در اختلاف فکری بین جریان متعارف و دگراندیش اقتصادی البته کمرنگ است. شاید درون‌زا بودن پول آن‌قدر برای او بدیهی است که چندان نیازی به توقف در این مجادله ندیده است. در این خصوص تنها به مطالبی کوتاه اکتفا کرده است. به نظر او سیاست پولی هیچ‌گاه - لاقلاً در دنیایی که پول موجود از نوع سپرده‌های بانک‌های خصوصی است - نمی‌تواند به این شکل باشد که مقامات پولی در مورد مقدار پول در گردش تصمیم‌گیری کنند. شکست رویکردهای پول‌گرایانه از همین جا نشئت می‌گیرد.

ارجاعات تاریخی کتاب بسیار زیاد است. خواننده ممکن است گاهی اوقات آن را غیر ضروری بیابد. با این حال نویسنده مقصودی دقیق از این باریک‌بینی تاریخی دارد. تقریباً تمامی روایت‌های تاریخی ذکرشده معطوف به استدلال به سود گزاره‌های اصلی کتاب است؛ خطی که نباید در خلال سرگرم‌شدن در نقل‌های تاریخی از ذهن خواننده دور شود. او در این روایت‌ها یا به دنبال استدلال به سود عدم‌ختثایی پول است، یا اولویت پول حسابی بر نقش واسطه مبادله، یا لزوم مصالحه بین گروه‌های ذی‌نفع اصلی برای استواری پول، یا نقش مرجع قدرت در بقای پول. این روایت‌ها به طور جالبی نشان می‌دهد برخی از مجادلاتِ به‌روز و داغ کنونی، اتفاقاً مباحثی دیرین و مسبوق به سابقه بوده است. همچنین است آشنایی با برخی افکار و اندیشه‌ها که ممکن است سابقه‌داشتن آنها در سده‌های پیشین برای خواننده جالب باشد.

بخش‌های پایانی کتاب به کاربرد شالوده‌فکری ساخته‌شده برای قضاوت در باب برخی تحولات جدید پولی اختصاص دارد. مهم‌ترین این تحولات، ظهور پول واحد اروپایی و همین‌طور پول‌های مجازی بر پایه شبکه اینترنت است. او زمانی مشغول نوشتن کتاب بوده (اواخر سال ۲۰۰۳) که پول واحد اروپایی (یورو) به تازگی پا به عرصه وجود گذاشته بود. با این حال دو موضوع لحن او را نسبت به یورو بی‌میل و بدبین کرده است. نخست، تناقض بین تمرکز پولی در اروپا در عین تکثر سیاسی و مالی (بودجه‌ای) دولت‌ها که هماهنگی و مرکزیت مورد نیاز در مدیریت حوزه پول را پرمشقت

می‌سازد. مورد دوم، سخت‌گیری و اتکای پررنگ این چهارچوب نهادی بر متعارفی و محافظه‌کاری اقتصادی است که او را در برابر تحولات بی‌ثبات‌کننده ضعیف می‌سازد.

محور دیگر در تحولات روز، ظهور پول‌های غیر متمرکز بر پایه فناوری اطلاعات و همچنین پول‌های محلی است؛ موضوعی که دو گرایش لیبرالی و سوسیالیستی به نحو تناقض‌آمیزی در آن اشتراکاتی دارند. پول‌های غیر متمرکز مبتنی بر فضای مجازی مورد علاقه لیبرال‌ها و هم‌سو با ایده آنها مبنی بر «پول بازار» و «پول غیر دولتی» است. در عین حال، پول‌های شبکه‌های سوسیالیسم‌گرا که به دنبال برساختن پول محلی و منطقه‌ای با اهداف برابری طلبانه هستند، نیز در عمل در هم‌سویی با همان گرایش لیبرالی قرار دارد. جالب اینجاست که توجه اینگام به پول‌های اینترنتی سال‌ها پیش از ظهور نخستین موارد از رمزینهارزهاست. او با موضعی آینده‌پژوهانه، اگر نگوییم پیش‌گویانه، بستر اینترنت را لاجرم مستعد بروز چنین پدیده‌هایی می‌بیند. ارزیابی او در قبال این قبیل تحولات نیز حاوی نوعی بدبینی است. این بدبینی طبعاً دلالت مستقیم باور او به ریشه‌های اجتماعی پول و ابتدای آن بر ایجاد اعتماد غیر شخصی از سوی مرجع قدرت است. همچنین، باور او به پیوند پذیرفتگی پول با مالیات‌ستانی نیز چنین دلالتی دارد، زیرا در نهایت مرجع قدرت که توان وضع مالیات بر افراد را دارد، قادر است تعیین کند کدام پول را به عنوان ابزاری مقبول در تأدیه بدهی مالیاتی می‌پذیرد تا به این طریق پول مقبول در اقتصاد را زمینه‌سازی کند. او از پذیرش امکان ظهور پولی «بی‌ریشه» و «متکی به خود» در محیط سایبری اکراه دارد، چرا که با آورده اصلی تلاش پژوهشی او در منافات است. پول در اصل، ریشه در پول حسابی و نیز ابزارهای تسویه نهایی دارد که ضرورتاً به دست یک مرجع قدرت برپا می‌گردد. این البته به معنای مخالفت او با امکان بقا و مقبولیت چنین پول‌هایی در شبکه‌ای محدود از مبادله‌گران نیست، لیکن ایجاد محیط‌های پولی گسترده، مستلزم نوعی روابط اجتماعی و سیاسی است که وجود آن حتماً مستقل از هر شبکه مبادلات پولی و فراتر از آن است.

با این حال، به نظر می‌رسد ظرفیت نوین ناشی از فناوری زنجیره‌بلوکی و قراردادهای هوشمند، که در زمان نگارش این کتاب هنوز برای نویسنده قاعدتاً شناخته شده نبوده، هنوز قضاوت در این باب را سخت کرده است؛ ظرفیتی که ممکن است بتواند ایجاد یک اعتماد غیرقابل خدشه و غیرقابل دستکاری را بدون ارجاع به یک عامل ثالث (مرجع قدرت) در مقیاسی وسیع محقق کرده و بنیان ایجاد نوعی اعتماد غیر شخصی را فراهم آورد. با وجود مخالفت آشکار نویسنده، هنوز باید منتظر تحولات آتی ماند.

دیدگاه‌های اینگام در این کتاب قرابتی محسوس با تحلیل‌های مکتب تاریخی آلمان و همین‌طور

با سنت پساکینزی و فرمان‌گرایی (نئوچارتالیسم) دارد. پیداست که به تحلیل‌های وبر، زیمل، کینز، شومپتر، کنپ و برخی پساکینزی‌ها ارادت دارد. با این حال او، جدا از جریان اصلی حاکم بر دانش اقتصاد و جامعه‌شناسی، همین گروه دوستان را نیز تا اندازه‌ای می‌نوازد. مهم‌ترین کنایه او، مربوط است به عدم التفات آنها به جدال اجتماعی و تضاد منافع طبقات در تحلیل تحولات پولی. مثلاً او اعتقاد رویکرد فرمان‌گرایی (که امروزه به «نظریه مدرن پولی» موسوم شده) به اینکه دولت نیازی به فروش اوراق بدهی برای تأمین مالی ندارد، را ناشی از همین نگاه غیر جامعه‌شناسانه و عدم التفات به لزوم مصالحه پایدار بین گروه‌های ذی‌نفعی می‌داند که یکی از آنها طبقه بستانکاران حکومت است. او برخی آراء کینز و شومپتر را هم برکنار از آشفتگی ندیده و پساکینزی‌ها را نیز در فهم تحولات اقتصادی از منظر جنگ انسان با انسان ضعیف می‌بیند. تنها وبر است که گویا به عنوان قهرمان بی‌خطا از تیغ نکته‌سنجی او جان سالم به در برده است.

از نکات برجسته و جذاب کتاب، معرفی برخی مفاهیم جدید برای ادبیات موضوع است. مفهوم «تسخیرگری» دلالت دارد بر قدرت طبقات در مصادره منافع یک سیاست یا حتی اثرگذاری بر تعیین قیمت‌ها و نرخ‌های کلیدی در اقتصاد. این مفهوم مستقیماً محصول نگرش جامعه‌شناختی و علاقه وی به اثرات جدال طبقات اقتصادی است. مفهوم «جامعه معرفت‌شناختی» نیز، که صرفاً با اشاره‌ای گذرا از آن عبور شده، عبارتی نوظهور در تبیین هویت پارادایم‌های فکری برای اثرگذاری بر سیاست‌گذاران است. از همه جالب‌تر عبارتی است که معادل «واقعیت‌سازی» را برای آن برگزیده‌ایم، مفهومی حاصل نوآوری اینگام برای اینکه نشان دهد ارتباط بین نظریه‌های اقتصادی و تحولات دنیای واقعیت، ارتباطی یک‌سویه نبوده و چنین نیست که نظریه‌های اقتصادی صرفاً نقش بازنمایی رخدادهایی را داشته باشند که مستقل از آن نظریه‌ها در دنیای بیرون جاری هستند. این نظریه‌ها خود در مقام شکل‌دهی و اثرگذاری بر آن واقعیات‌اند. نظریه‌های پولی متعارف، برخلاف تبعات اثبات‌گرایانه برخاسته از محتوای طبیعت‌گرای اقتصاد جریان اصلی، خود بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند اجتماعی تولید پول هستند. این نظریه‌ها «واقعیت‌ساز» هستند، نه صرفاً واقعیت‌نما.

در پایان، نکاتی دیگر نیز شایان تذکر است. با اینکه عنوان کتاب دلالت بر اهمیت بخش اول آن دارد، اما اوج نظریه‌پردازی کتاب در فصل ۶ و ۷ نمایان می‌شود. نظریه‌های پرداخته شده در فصول قبل بیشتر در مقام مقدمه‌سازی برای این بخش‌ها به نظر می‌رسد. اگر مباحث بخش نخست جنبه‌ای عمدتاً نظری داشت، هر چه به پایان کتاب نزدیک می‌شویم، تأثیر کاربردی مباحث در حصول شناخت بهتر از اقتصادهای امروزی پررنگ‌تر می‌شود.

محتوای کتاب برای تمام شعب علوم اجتماعی آموزنده خواهد بود؛ هر چند مخاطب نخست آن، علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان حوزه اقتصاد با گرایش پولی است. متأسفانه یکی از سنت‌های نوشتاری برخی دانشمندان انگلیسی‌زبان، طولانی‌نویسی و ثقل گفتار است. از جمله در این کتاب بعضاً پس از گذشت شش خط، هنوز جمله به پایان نرسیده است. این مسئله ممکن است در فهم مطلب و دلچسپی کتاب برای خواننده خلل ایجاد کند. در ترجمه تلاش شده در عین پابندی به محتوا، اقدام به روان‌سازی جملات بر اساس اقتضانات مألوف زبان فارسی شود. برخی از توضیحات که می‌تواند فهم نکات مبهم را آسان‌تر کند، در جریان ترجمه به متن افزوده شده که توضیحات کوتاه آن در داخل قلاب (در متن) آمده و البته توضیحات طولانی‌تر به زیرنویس منتقل شده است. در هر کدام، علائم استاندارد، نشان می‌دهد کدام واژگان یا جملات، مربوط به متن اصلی نبوده و در فرایند ترجمه و از باب کمک به درک بهتر مطلب آورده شده است. این افزونه‌ها که در فهم بهتر مطالب بسیار کمک‌کننده خواهد بود، در مواردی نه چندان کم تعداد به مدد خواننده می‌آید.

در پایان، از مساعدت و همکاری معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) بویژه کارشناسان و مدیران اداره کل نشر و ترویج آثار علمی قدردانی می‌شود. همچنین از پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت بابت همکاری و حمایت از ترجمه کتاب تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

پیشگفتار

این کتاب حاصل بی‌قراری دیرینه من در مورد مرزهای رشته‌های علوم اجتماعی در محافل دانشگاهی امروزی است. اکنون علاوه بر پررنگ‌تر شدن آن مرزها، شاهد افزایش تخصصی‌شدن، تقسیم‌بندی در قالب «خرده‌رشته‌ها» و جایگاه‌های اختصاصی نیز هستیم. معتقدم از هنگام آغاز تقسیم کار فکری در ابتدای قرن بیستم، آشنایی با چگونگی کارکرد دنیای واقعی به نوعی از بین رفته است. این باور نتیجه تجربه بی‌واسطه تقریباً چهل ساله‌ام در دانشگاه کمبریج است.

در مقاله دیگری درباره پول، با توسل به دسته‌بندی بذله‌گویانه اقتصاددانی به نام لیان‌هافود (Leijonhufvud, 1973) درباره قبایل علوم اجتماعی - یعنی قبیله اقتصاددانان، قبیله جامعه‌شناسان و قبیله سیاست‌شناسان - توضیح دادم که پس از ورودم به قبیله جامعه‌شناسان، به مدت تقریبی بیست و پنج سال در دانشکده اقتصاد با اهل قبیله اقتصاد زندگی کردم (این‌گام، ۲۰۰۰). به موضوع پول علاقه‌مند شدم و درباره‌اش از برخی ریش‌سفیدهای قبیله راهنمایی خواستم. پول چیست؟ برخی جواب دادند که پول به معنای دقیق کلمه، در واقع آن‌قدر که عقل سلیم (من) ممکن است گواهی دهد، چیز مهمی نیست. متقاعد نشدم؛ به ویژه نتوانستم مفهوم اقتصادی پول را به عنوان یک «نقاب خنثی»^۱ بپذیرم. ناتوانی نظریه تعادل عمومی در یافتن جایگاه تحلیلی اساسی برای پول - در الگوهای ریاضیاتی پیچیده آن نظریه - حتی گیج‌کننده‌تر هم بود. به بن‌بست رسیده بودم.

چند سال بعد قراردادی برای نگارش یک کتاب درسی درباره جامعه‌شناسی نهادهای پایه در نظام اقتصادی سرمایه‌داری بستم. نخستین فصل آن کتاب که درباره پول بود، طی چند سال بسط یافت تا به این کتاب تبدیل شد. البته این بار یکی از نامتعارف‌ترین ریش‌سفیدهای قبیله اقتصاد در کمبریج - جف هارکورت^۲ - نشانی نوشته‌های پساکنزی^۳ را به من داد که با آنها خیلی بیشتر احساس همدلی

1. neutral veil

2. Geoff Harcourt

3. post-Keynesian

کردم. راهنمایی او انگیزه لازم برای شروع کار را در من ایجاد کرد؛ بدون یاری او نمی‌توانستم راه بیفتم. سپس، به گذشته و به «رساله‌ای درباره پول»^۱ از کینز (Keynes, 1930) پرداختم و نخستین بار بود که فهمیدم دو فصل آغازین آن، بر حسب اتفاق، ولی تمام و کمال، «جامعه‌شناسانه» است. در واقع، فصل دوم آن رساله به شرح روابط اجتماعی در ساختن «اعتبار یا پول» بانکی اختصاص دارد. در عین حال، به طور اتفاقی به چاپ مجدد اثر شومپیتر (Schumpeter, 1994: 1954) پس از مرگ او به نام «تاریخ تحلیل اقتصادی»^۲ برخورد کردم. وقتی در دهه ۱۹۶۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه کمبریج بودم، بخش‌هایی از این اثر «به شدت عالمانه و جذاب از لحاظ فکری» را خوانده بودم. شاید خوب شد که آن کتاب ناتمام ماند و به دست شومپیتر ویرایش نشد؛ زیرا این‌گونه می‌توان سیر تفکر او را با تمام تردیدها، ناسازگاری‌ها و تناقض‌هایش دید. آن کتاب در جایگاه یک راهنما برای آشنایی با تاریخ تحلیل اقتصادی پول (و البته بیشتر از آن) بی‌همتاست.

بی‌بهره بودن از قالب تحصیلات رسمی اقتصاد، مرا یاری کرد تا کتابی نامتعارف بنویسم، گرچه در دسرهای آشکاری هم پدید آورد. رمزگشایی از واژگان و اصطلاحات سنت‌های فکری مختلف، به کندی پیش می‌رفت و قدری طول کشید تا (فرق بین) پول «درون‌زا» و «برون‌زا» بر من معلوم شود! (برون‌زا نسبت به چه؟ مدتی گمان می‌کردم که می‌توانم حداقل سه معنی برای آن بیابم. خواننده خرسند خواهد شد که بداند آن سه معنی در این نسخه نهایی وجود ندارد!). باز هم باید از جف هارکورت ممنون باشم؛ او پلی بود که بدون آن نمی‌توانستم بین دو قبیله رفت و آمد کنم. وی همواره مشتاق به پاسخ دادن به پرسش‌های من بوده و همواره به مطالعه بیشتر توصیه کرده است. توصیه به مطالعه آثار اقتصاددان‌هایی مانند جان اسمیثین و رندال ری^۳ بی‌اندازه برای من ارزشمند بوده است. مایه خوشوقتی است که دانستم ایشان نیز به کارهای من علاقه‌مند شده‌اند. توجه به جزئیات، در زمره نقاط قوت من نیست. این نقص من را سارا دنسی^۴ و گروه ویرایشی او پوشش دادند. به همین دلیل، از چیره‌دستی فوق‌العاده تخصصی و نیز از صبر ایشان سپاسگزارم.

انتشارات پولیتی^۵ مدتی طولانی است که با حوصله برای تحقق نسبی قرارداد اولیه من صبر کرده است. دیگران باید قضاوت کنند که آیا آن صبر، بی‌ثمر بوده است یا خیر.

-
1. A Treatise on Money
 2. History of Economic Analysis
 3. John Smithin and Randall Wray
 4. Sara Dancy
 5. Polity press

بخش اول

مفاهیم و نظریه‌ها

مقدمه

گلدستون^۱ هنگام سخنرانی در یکی از جلسات مجلس درباره «قانون منشور بانکی سیر رابرت پیل^۲» مصوب سال‌های ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵ گفت که حتی عشق نتوانسته است انسان‌ها را «به اندازه تأمل درباره ماهیت پول» به حماقت بکشاند.

(Marx, 1970: 64)

فقط سه تن را می‌شناسم که واقعاً پول را درک کرده‌اند: یکی از استادان در دانشگاهی دیگر؛ یکی از دانشجویانم و یک کارمند نسبتاً دون‌پایه در بانک (مرکزی) انگلستان.
(نسبت داده شده به کینز، نقل شده در: Lietaer, 2001: 33)

معمایا و تناقض نماهای پول

پول یکی از فناوری‌های اجتماعی اساسی بشر است که در کنار نوشتن و حساب‌کردن، از پایه‌های شکل‌گیری نخستین جوامع بزرگ‌مقیاس در خاور نزدیک باستان در خلال هزاره سوم پیش از میلاد محسوب شده، امروزه بدون اغراق «چرخ دنیای جهانی شده را می‌چرخاند». پول این وظیفه ضروری را با ایفای فهرستی آشنا از کارکردها به انجام می‌رساند که در کتب درسی اقتصاد آمده است^۳: پول،

1. Goldstone

2. Sir Robert Peel

۳. فرانسیس واکر (Francis Walker) اقتصاددان آمریکایی در سال ۱۸۷۸ تصمیم گرفت جنبه تجریدی پول را کنار گذاشته، طبق فرضی ساده پیش برود: «پول همان چیزی است که کار پول را می‌کند» (Schumpeter, 1994 [1954]: 1086).

واسطه مبادله^۱، ذخیره ارزش^۲، وسیله پرداخت یک‌جانبه^۳ (تسویه حساب^۴) و ملاک ارزش (واحد محاسبه^۵) است. هر یک از این وظایف برای تداوم زندگی عادی در دنیای امروز، ضروری است. اول اینکه، چنانکه آدام اسمیت و اقتصاددانان کلاسیک به صراحت گفته‌اند، وجود یک واسطه مبادله، موجب کارآمد شدن تقسیم کار و امکان پذیرش معامله کالاهایی می‌شود که مایه شکل‌گیری «ثروت ملل» هستند. این مبادله چندجانبه غیر مستقیم، ابزار «تبدیل کردن کار کشاورز به کار آرایشگر است... [پول] واقعی است که اثر خود را با فاصله و از راه دور اعمال می‌کند» (McLuhan, 1964: 10). دوم و شاید مهم‌تر از هر چیز: پول می‌تواند ارزش «انتزاعی^۶» را به صورت قدرت خرید محض و برای دوره‌های طولانی‌تری ذخیره کند؛ طولانی‌تر از آنچه برای تحقق هر گونه معامله‌ای مورد نیاز است. آزادی و انعطاف‌پذیری دنیای پیشرفته [امروزین] از دستاوردهای این ویژگی پول است. چنانکه زیمل^۷ توضیح می‌دهد، در گذشته هر لُرد زمین‌دار می‌توانست به عنوان حق و حقوق از رعیت‌های خود مقدار مشخصی عسل و یا ماکیان مطالبه کند. لُرد به این ترتیب، به طور بی‌واسطه، میزان و زمینه کاری آنان را تعیین می‌کرد. «ولی وقتی او [به جای تعیین نوع کالا] فقط به وضع عوارض پولی پردازد، دست رعیت باز خواهد بود که زنبور یا گاو یا هر دام دیگری پرورش دهد» (Simmel, 1978 [1907]: 285-286). با پول می‌توان تصمیم‌ها را به تأخیر انداخت، در آنها تجدیدنظر کرد، آنها را دوباره به کار بست یا لغو کرد؛ پول نوعی «خواستنه منجمد شده^۸» است (Buchan, 1997). البته «تمام این دستاوردها وابسته به کارکرد دیگری از پول هستند که در اصل

1. medium of exchange

2. store of value

3. means of unilateral payment (settlement)

۴. کارکرد پول به عنوان ابزار پرداخت نهایی یا تسویه حساب، غیر از کارکرد واسطه مبادله است. واسطه مبادله بودن پول مربوط به جایی است که دو طرف دارای کالایی باشند که برای مبادله آن با یکدیگر متوسل به پول می‌شوند. اما پول به عنوان ابزار تسویه مربوط به وضعیتی است که یک طرف باید مانده تعهد خود به شخص دیگر را تسویه کند، خواه این تعهد ناشی از مبادلات دوطرفه‌ای باشد که هنوز تسویه نشده، خواه ناشی از عوامل دیگری نظیر پرداخت مالیات، جریمه، غرامت و... (مترجم).

5. measure of value (unit of account)

۶. گاهی استاندارد ارزش و استاندارد پرداخت تأخیری، به مثابه کارکردهایی متمایز مطرح می‌شوند. شأن این دو بستگی دارد به اینکه پول حسابی صرفاً نمایش عددی یک استاندارد ارزش (مانند طلا) باشد یا فقط یک معیار انتزاعی منحصر به فرد. یکی از استدلال‌های اصلی در کتاب ما از این قرار است که پول حسابی است که موجب می‌شود یک موجودیت، ویژگی پول پیدا کند («پول شدگی») و به این ترتیب یک استاندارد کالایی، تنها زمانی به پول تبدیل می‌گردد که به قول کینز، با پول حسابی، توصیف یا بیان شده باشد.

7. abstract

8. Simmel

9. frozen desire

مهم‌تر از مابقی کارکردها است: امکان محاسبه پولی^۱ (Weber, 1978: 80-81). این سومین ویژگی پول - به عنوان معیار ارزش (پول حساب‌کننده یا واحد محاسبه)^۲ - امکان محاسبه هزینه‌ها و منافع بالفعل و بالقوه، سود و زیان، بدهی‌ها و قیمت‌ها را فراهم می‌سازد. پول در یک کلام، مبنای عقلانی شدن روزافزون زندگی اجتماعی است و این همان فرایندی است که در امپراتوری‌های بین‌النهرین باستان آغاز شد. در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

با این حال، نباید پول را صرفاً به عنوان یک ابزار مفید تلقی کرد؛ پول «ماهیتی دوگانه»^۳ دارد. این طور نیست که پول فقط پیامدهایی سودمند برای افراد و نظام اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. به تعبیر مان (Mann, 1986)، پول علاوه بر قدرت «زیربنایی»^۴، قدرت «خودکامه»^۵ نیز دارد. به عبارت دیگر، اگر چه پول عاملی است در جهت بسط ظرفیت جامعه انسانی برای تحقق برخی امور، ولی قدرت پول ممکن است در خدمت منافع خاص هم در آید. موضوع صرفاً به تملک یا کنترل «مقادیر» پول، یا همان قدرت ثروت، محدود نمی‌شود. علاوه بر آن، چنانکه خواهیم دید، فرایند عملی «خلق پول»، در قالب‌های متفاوت خود، به طور ذاتی یک منبع قدرت است. مثلاً پول سرمایه‌داری امروزی همان پول اعتباری بانکی^۶ است که بر اساس رتبه‌بندی‌های اعتباری^۷ ایجاد شده و سطوح کنونی نابرابری را با اعمال نرخ‌های بهره متمایز افزایش می‌دهد.^۸ پول به کلی‌ترین تعبیر - چنانکه وبر می‌گفت - اسلحه‌ای است که در فرایند تنازع بقای اقتصادی^۹ به کار گرفته می‌شود. وانگهی، مؤلفه‌های دوگانه ماهیت پول می‌توانند در تعارض باشند. یعنی، ممکن است منافع ویژه برخی، باعث بر باد رفتن مزایای عمومی شود. این ویژگی یکی از مضامین آشنا در نقدهای اقتصادی از نوع لیبرال دوآتشه درباره تأمین مخارج حکومت با توسل به بدهی‌هاست که حکومت را مایل به ایجاد تورم می‌کند تا از مقدار واقعی بدهی‌هایش بکاهد. این مباحث را در جای‌جای کتاب بررسی خواهیم کرد.

-
1. The possibility of monetary calculation
 2. measure of value (money of account)
 3. dual nature
 4. 'Infrastructural' power
 5. 'despotic' power
 6. bank credit-money
 7. credit ratings

۸. منظور نویسنده نرخ‌های بهره متمایزی است که بانک‌ها برحسب وثایق و رتبه اعتباری برای وام‌گیرندگان مختلف اعمال می‌کنند که در نتیجه آن، برخوردارترین وام‌گیرندگان به وام‌هایی با کمترین هزینه دسترسی یافته و هزینه وام‌ستانی برای طبقه غیر برخوردار افزایش می‌یابد (مترجم).

9. the struggle for economic existence

تنها اندکی غور در این نظریات شناخته شده، معماها و تناقض نماهای دیرینه را آشکار می کند. شاید بزرگترین تناقض نما از این قرار باشد که امری پیش پا افتاده و همگانی مانند پول می تواند به سردرگمی، اختلاف نظر و حتی خطاهایی اساسی بینجامد. پول به درستی شناخته نشده است. می توان نشان داد که یکی از بهترین اندیشه ورزان در باب مفاهیم اقتصادی در قرن بیستم چهل سال را به تقلای نافرجام برای تمام کردن کتاب خود درباره پول سپری کرد. وقتی دریافتیم جوزف شومپتر، طبق روایت یکی از همکاران صمیمی اش در هاروارد «هیچگاه نتوانست مفاهیم مورد نظرش از پول را چنانکه دوست داشت، سر و سامان دهد»، (به نقل از: Earley, 1994: 342) وحشت زده شدم زیرا درک می کردم که او چه قصدی داشته است.^۱

بد نیست افشای معماهای نهفته در پس برداشت های روزمره از پول را با بررسی دقیق تر کارکردهای پول در کتاب های درسی شروع کنیم. فعلاً دلالت گمراه کننده تحلیل های اقتصادی، مبنی بر اینکه «کارکردهای پول می تواند هستی و چیستی (ماهیت) آن را تبیین کنند»، کنار می گذاریم. وجود مشخصات چندگانه در فهرست کارکردهای پول، دو پرسش را به ذهن متبادر می کند. آیا باید «تمام» کارکردهای پول محقق شوند تا یک موجودیت به عنوان پول پذیرفته شود («پول شدگی»^۲)؟ اگر خیر، کدام کارکردها تعیین کننده هستند؟ به طور خلاصه، چگونه می توان پول را به شکلی منحصر به فرد تصریح کرد؟ هویت پول برای نزدیک به ۲۰۰۰ سال تلفیقی از چهار کارکرد بود که در قالب سکه (و بعدها اسکناس هایی که دقیقاً نماینده سکه بودند) نمود یافته بود. این تلفیق از کارکردها همان «پول به معنای واقعی کلمه»^۳ در واژه شناسی اقتصاددان های کمبریج در اواخر قرن نوزدهم مشهود است. در این تعبیر، ارزش سکه یا اسکناس، در ماده خود سکه یا در بازنمایی بی واسطه یک کالای ارزشمند نهفته است. خواهیم دید که این تلقی از پول بر اساس درک عمومی، که آن را یک شیء لمس پذیر می پندارد، همچنان ادامه دارد و منجر به سردرگمی های فراوان شده است (مثل اینکه ظهور پول الکترونیکی، منادی عصر «پایان پول» است). با این حال، وقتی عصر ضرب سکه را دقیق تر بررسی کنیم، معلوم می شود که موضوع به این سادگی ها نیست. سکه ها در بخش اعظمی از آن دوران

۱. این معمای پول را می توان در کاربرد مکرر در قطعه ای از ادبیات انگلیسی یعنی «دامبی و پسرش» (Dombey and Son) اثر چارلز دیکنز (Charles Dickens) آشکارا دید. در آنجا پُل (Paul) از پدرش می پرسد که «پول چیست؟» آقای دامبی به توصیف برخی سکه ها می پردازد. پُل به او می گوید آنها را می شناسد ولی می خواهد بداند که «پول بالآخره چیست؟» برای آشنایی با آن گفتگو و گزیده ای مفصل از سردرگمی های مشابه و همچنین برای آشنایی با مفاهیم مختلف پول، جکسون (Jackson, 1995) را بخوانید.

2. moneyness
3. money proper

طولانی، با هیچ‌گونه ارزش عددی، حک یا مهر نمی‌شدند؛ یعنی حامل هیچ‌گونه واحد حساب کردن ارزش نبودند. پس ممکن بود ارزش «پولی» اسمی سکه‌ها و ارزش موجودی فلز آنها بسیار با هم متفاوت باشد که چنین هم بود. معمولاً حکومت بر طبق یک پول حسابی اعلام شده [یا واحد محاسبه]، به سکه‌ها ارزشی اسمی نسبت می‌داد. مثلاً در اروپای قرون وسطی به طور عمده این شاه بود که ارزش پول را تغییر می‌داد. او این کار را با تغییر دادن واحد محاسبه اسمی انجام می‌داد و آن را با یک استاندارد «ذهنی یا خیالی» از ارزش^۱ مرتبط می‌نمود و بر این اساس، درخواست ضرب سکه را کم یا زیاد می‌کرد. این ربطی به تغییر محتوای فلز گران‌بهای به کار رفته در سکه‌ها نداشت. علاوه بر این، بسیاری از واحدهای پول محاسباتی^۲ نظیر پوند در قالب پوندها، شلینگ‌ها و پنی‌ها^۳ - هیچ‌گاه به ضرب سکه‌ای در نیامدند (Einaudi, 1953 [1936]). به همین ترتیب گینی‌ها^۴ چندین قرن پس از توقف چرخش سکه‌ها همچنان به عنوان پول حسابی - یعنی برای قیمت‌گذاری کالاها و قراردادهای بدهی - به کار می‌رفتند.

اگرچه «اسکناس و مسکوک» - یعنی هر گونه ابزار منقول که ما آن را پول به حساب می‌آوریم - همچنان در ۸۵ درصد معاملات استفاده می‌شود، ولی (از حیث ارزش) حالا فقط یک درصد کل ارزش مبادلات پولی را پوشش می‌دهد (The Guardian, 2000). به عبارت دیگر، اکنون واسطه‌های عملی مبادله در اکثر نظام‌های پولی، عناصری نسبتاً کم‌اهمیت هستند؛ ولی تصور از پول همچنان تا حد زیادی متأثر از همین معاملات کوچک‌مقیاس است [که با اسکناس و مسکوک انجام می‌شود]. معرفی رسمی یورو در قالب سکه و اسکناس، از سال ۲۰۰۲ شروع شد، ولی آن پول حداقل یک سال پیش از تجسم یافتن در این واسطه‌های [ملموس] مبادلاتی، به عنوان ابزار تنظیم قیمت‌ها، عقد قراردادهای بدهی و نیز ابزار پرداخت، وجود داشت. خواهیم دید که این ملاحظات پوشش کاملی از دردهای منطقی و مفهومی ناظر بر فهرست مشخصه‌ها و کارکردهای پول نیست. [با این حال،] به طور خلاصه پرسش از این قرار است: کیفیت «پول شدن» ریشه در چه عواملی دارد؟ [چه ویژگی‌هایی پول را پول می‌کند؟]

به تعبیر بسیار کلی می‌توان دو پاسخ کاملاً متفاوت به این پرسش داد. چنانکه شومپتر می‌گوید، «فقط دو نظریه پولی وجود دارد که مستحق این نام است... نظریه کالایی^۵ و نظریه مطالبه‌ای^۶

1. 'imaginary' standard of value
 2. units of money of account
 3. pounds, shillings and pence
 4. guineas
 5. Commodity Theory
 6. Claim Theory

[اعتباری]. این دو نظریه از حیث ماهوی با هم سازگار نیستند». (نقل شده در: Ellis, 1934: 3). در نظریه اقتصادی، عمدتاً بر مفهوم پول - به عنوان «واسطه مبادله» - تأکید می‌شود. چنان تأکیدی سه معنا دارد که اغلب به دقت از یکدیگر تمیز داده نمی‌شوند. یا پول فی‌نفسه یک کالای مبادله‌پذیر^۱ (مثلاً سکه طلا) است، یا نماد بی‌واسطه چنان کالایی (مثلاً برات تبدیل‌پذیر) است، یا شاید نوعی تجلی نمادین (عددی) از یک استاندارد کالایی (گاو، بشکه نفت، ارزش سبیدی از کالاها) است.^۲ پول در چنین نگرشی یک کالای جهان‌شمول است یعنی قابل تبدیل به تمامی کالاهای دیگر است. لازم است دقت کنیم که «پول‌شدگی» در این مفهوم تا حدی به شکل این همان‌گویانه، معادل است با «مبادله‌پذیری»^۳؛ یعنی پول همان «نقدشونده»ترین کالا است. پس حداقل به طور ضمنی می‌توان گفت که سایر خصوصیت‌ها و کارکردها در آن فهرست بحث‌برانگیز - یعنی پول حسابی، ابزار پرداخت و ذخیره ارزش - تابع «واسطه مبادله» بوده یا از آن استنتاج می‌شوند. در نقطه مقابل، یک نگرش «اسمی‌گرایانه»^۴ دگراندیش، معتقد است که پول «به معنای واقعی کلمه، فقط در ارتباط با پول حسابی»^۵ [واحد محاسبه ارزش] می‌تواند وجود داشته باشد» (Keynes, 1930: 3). (این اسمی‌گرایی، چنانکه خواهیم دید، به شدت به باوری گره خورده است که پول را متشکل از «مطالبه‌ها» و «اعتبارات» می‌داند، نه صرفاً اشیاء مبادله‌شدنی یا نمادهای آن اشیاء). پس در این مفهوم‌سازی، پول حسابی انتزاعی از لحاظ منطقی مقدم بر قالب‌ها و کارکردهای پول بوده و یک‌تنه کلیه مزایای مهمی را که به پول به طور اعم و به واسطه مبادله به طور اخص، نسبت داده می‌شود برآورده می‌سازد. پول حسابی، امکان [کشف] قیمت‌ها و انعقاد قراردادهای بدهی را فراهم می‌کند و این تمام چیزی است که برای تحقق مبادله چندجانبه گسترده لازم است. محاسبه پولی - یا بدون یک «ماده پولی»^۶ [یک شیء فیزیکی به عنوان پول] - ابزار تبدیل کار آرایشگر به کار کشاورز و وسیله تبدیل کارهای تولیدی به یکدیگر در عین وجود فاصله مکانی و زمانی است. پول به این مفهوم، انتزاعی است، ولی انتزاع از چه؟

خواهیم دید که اصل مطلب از این قرار است: آیا می‌توان بدون وجود یک معیار انتزاعی

1. exchangeable

۲. در الگوی والراس از نظام اقتصادی پول جایگاهی ندارد. در این الگو یک کالا به دلخواه به عنوان «شمارشگر» (Numeraire) انتخاب می‌شود و نمادی است از یک ارزش از پیش موجود؛ این کالا نقش معیار ارزش را ایفا می‌کند و محاسبه نرخ‌های مبادله بین کالاها به وسیله آن ممکن می‌شود. بحث‌های فصل یک را بخوانید.

3. exchangability

4. nominalist

5. Money of Account

6. 'money stuff'

«پیشینی» (یعنی پول حسابی)، استاندارد ارزشی یکسانی را درباره پول به مثابه واسطه مبادله برقرار کرد؟ در روایت اقتصادی متعارف، مقیاس سنجش ارزش (پول حسابی) به طور خود به خود از فرایندی بر می‌خیزد که آدام اسمیت آن را «تهاتر و دادوستد»^۱ در عهد کهن نامید. مبادله‌پذیرترین کالا، به پول تبدیل می‌شود و سپس با شمارش آن، معیار ارزش یا پول حسابی پدید می‌آید. با این حال، این روایت یک مشکل بسیار مهم درست می‌کند که بعداً آن را واکاوی خواهیم کرد. آیا هزاران معامله تهاتری مبتنی بر ترجیحات ذهنی افراد، می‌تواند یک مقیاس پذیرفته‌شده برای ارزش فراهم کند؟ آیا می‌توان مطابق استدلال مشهور جونز^۲ (اقتصاددان اواخر قرن نوزدهم) پذیرفت که «مفهوم کلی پول» - یعنی پول به عنوان معیاری برای ارزش - محصول راه‌حل‌های عقلانی فردی برای رفع «گرفتاری‌های» تهاتر است؟ چگونه سلسله‌مراتب بین‌الذاتی ارزش^۳ از ترجیحات ذهنی حاصل می‌شود؟ پرسش از ماهیت پول وقتی به این شکل مطرح شود، به یکی از پرسش‌های بنیادین در نظریه جامعه‌شناسی و اقتصاد بدل می‌گردد.^۴

عجیب‌ترین تناقض‌نما که انگیزه اولیه این تحقیق را فراهم آورد، این است که در سنت اقتصاد متعارف امروزی، پول اهمیت نظری زیادی ندارد.^۵ در اقتصاد متعارف، دو فرض هست که این موضع‌گیری ضدشهودی را تقویت می‌کند؛ فروضی که هر دو از لحاظ بنیادی غلط هستند. نخست، چنانکه گفتیم، گمان شده است که پول یک کالا است. واضح است که از هنگام زوال پول‌های رایج ساخته‌شده از فلزات گران‌بها و با استانداردهای ارزش^۱، دیگر ادعا نشده که پول باید از ماده‌ای با ارزش مبادله‌ای ذاتی ساخته شود. ولی پول در نظریه اقتصادی امروزی، یک کالا است یعنی آن را همانند هر کالای دیگر می‌توان با توسل به روش‌شناسی متعارف اقتصاد خرد (عرضه و تقاضا، مطلوبیت نهایی و غیره) شناخت. ساختار «تحلیلی» نظریه اقتصادی متعارف در باب پول، در اصل از نظریه کالایی ارسطو اقتباس شده که مفهوم پول در آن عبارت است از «چیزی در جایگاه واسطه مبادله، آن هم به علت ارزش نهفته در خود پول» (شرح کلی نظریه ارسطو در فصل ۱ وجود دارد). با چنین برداشتی، هر چند «پول نقد» (اسکناس و مسکوک) امروزه کم اهمیت شده است، همچنان

1. 'truck, barter and exchange'

2. Jevons

3. inter-subjective hierarchies of value

۴. این مشکل همان بحث پارسونز (Parsons) در «ساختار کنش اجتماعی» (Parsons, 1937) است.

۵. برای یک مرور مختصر درباره سنت جریان اصلی، به کار Smithin در سال ۲۰۰۳ نگاه کنید.

6. standards of value